

بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیست‌ها و پسا کمالیست‌ها در جمهوری ترکیه

غلامعلی سلیمانی^۱

استادیار گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

دانیال رضاپور^۲

دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

سامان فاضلی^۳

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹

چکیده

اگر گفتمان کمالیسم، که از دل آن گفتمان غرب‌گرایی در سیاست خارجی برآمد برای حدود ۸۰ سال بر سیاست خارجی ترکیه حاکم بود. اما تکوین پادگفتمان دیگری با نام پسا کمالیسم، موجب شکل‌گیری گفتمان دیگری در سیاست خارجی شد که می‌توان آن را پیرامون‌گرایی خواند. مدرنیزاسیون به عنوان دال مرکزی کمالیسم در کنار دال‌های دیگری همچون لائسیسم، ترکیه را به اتخاذ یک سیاست خارجی غرب‌گرایانه و همکاری و همگرایی با اروپا سوق داد. اما تحولات اجتماعی و سیاسی که از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده بود، به قدرت‌یابی گفتمان پسا کمالیسم با دال مرکزی اسلام‌گرایی بروکراتیک در سال ۲۰۰۲ منجر شد. که این تغییر و تحول گفتمان جدید ترکیه را واداشت تا حدودی از یک‌سو نگرانی غرب‌گرایانه خود در سیاست خارجی بکاهد و متوجه مناطق پیرامونی‌اش شود. سؤال اساسی مقاله این است که آیا با قدرت‌یابی پسا کمالیست‌ها تغییر معناداری در سیاست خارجی ترکیه رخ داده یا صرفاً تعدیلات کوچکی در رویکرد سیاست خارجی این کشور پدید آمده است؟ در پاسخ، فرضیه مقاله این است که گفتمان کمالیسم در اساس با پسا کمالیسم متفاوت است، از این رو با قدرت‌گیری گفتمان جدید، تغییرات مهمی در سیاست خارجی ترکیه پدید آمده است و این تغییرات از طریق رویکرد تطبیقی در سه مورد اتحادیه اروپا، خاور میانه و مسئله فلسطین نشان داده شده است. البته این گفتمان نوپدید نمی‌تواند به یک‌باره در ابعاد داخلی و خارجی، از گفتمان هژمونیک پیشین با قدمت هشت دهه به یکباره بگسلد. رویکرد پسا کمالیسم هم‌اکنون در مراحل جنینی و تکوین خود است و از این رو در عمر کوتاه حکومت حزب عدالت و توسعه شاهد تغییراتی در درون پسا کمالیسم و رویکردهای اتخاذی هستیم و همان‌گونه که در مطالعات موردی نشان داده شده خواهد مهمی از تغییر در سیاست خارجی ترکیه هم‌اکنون نیز قابل مشاهده است.

واژه‌های کلیدی: کمالیست‌ها، پسا کمالیست‌ها، ترکیه، جهت‌گیری سیاست خارجی، حزب عدالت و توسعه.

1. soleimani1359@ut.ac.ir
2. danyalrezapoor@gmail.com
3. samanfazeli43@yahoo.com



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

سیاست خارجی عرصه‌ای هست که همیشه دستخوش تحول می‌باشد. در ترکیه نیز با سیطره گفتمان کمالیسم با تاکید بر ملی‌گرایی و نفی دین در عرصه عمومی، سیاست خارجی این کشور به سمت غرب‌گرایی حداکثری و دوری‌گزینی از امور منطقه پیش‌رفت و حتی کنشگری‌های این کشور در منطقه نیز از دریچه رویکرد غرب‌گرایی و اروپاگرایی و بیشتر و با هدف میانجی‌گری بود و نه با اهداف مستقل و مبتنی بر راهبردهایی جدا از اروپا و آمریکا. در واقع ترکیه در جنگ سرد و دهه ۱۹۹۰ بیشتر نوعی واسطه اجرای سیاست‌های غربی در منطقه بود (Avan, 2019: 2-3). اما از سال ۲۰۰۲ حزبی به قدرت رسید که نه تنها دین و اسلام را منافعی توسعه و مدرنیته نمی‌دانست، بلکه آن را همسو و حتی مروج توسعه تلقی می‌کرد. مهم‌ترین تجلی این گفتمان در سیاست خارجی ترکیه «پیرامون‌گرایی» می‌باشد. پیرامون ترکیه سه منطقه مهم آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه قرار دارد که همگی (به جز ارمنستان) کشورهایی با اکثریت مسلمان هستند که ترکیه در دوره تسلط پساکمالیست‌ها تلاش کرده روابط خود را با کشورهای مذکور در حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی گسترش دهد. امری که برخی از آن با عنوان «نوع‌ثمانی‌گرایی» یاد می‌کنند. ترکیه به ویژه پس از بیداری اسلامی، که الگوی دولت‌داری خود را مدل مناسبی برای رژیم‌های برآمده از انقلاب می‌دانست، بر تحرک دیپلماسی خود افزود و آشکارا اولویت سیاست خارجی خود را مسائل منطقه قرار داد. پیامد دوم تسلط پساکمالیست‌ها بر ترکیه دورتر شدن تدریجی این کشور از غرب بود. در سال‌های اخیر شاهد تلاش کمتر ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا و نیز انتقادهای بی‌سابقه‌ای از این اتحادیه و اعضای آن هستیم.

البته نباید از تحولات ۱۵ سال اخیر در درون سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه غافل شد. اگر دو سر طیف کمالیسم و تجدیدنظر طلبی در کمالیسم یا همان پساکمالیسم را در نظر بگیریم، در سال‌های اخیر به ویژه با وجود کنار گذاشتن داود اوغلو و افزوده شدن بر قدرت رئیس‌جمهور و نیز مسئله بیداری اسلامی، حزب عدالت توسعه بیش از پیش به سمت پساکمالیسم رفته است. پویایی‌های درونی و سیطره شخص اردوغان بر سیاست خارجی موجب شده است در سال‌های اخیر تغییرات بسیاری در روابط با اروپا، روسیه، سوریه، آمریکا و غیره صورت گیرد. اما همه تحولاتی که در دوره پساکمالیسم صورت گرفته است





فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

در چارچوب گفتمان کلان حزب عدالت و توسعه صورت گرفته است (Kuşku-Sönmez, 2019: 1-3) که مشخصه اصلی آن کاهش غرب‌گرایی و افزایش اسلام‌گرایی و منطقه‌گرایی است. بر مبنای تغییرات صورت گرفته در سیاست خارجی ترکیه سؤال پژوهش این است که آیا با قدرت‌گیری پساکمالیست‌ها در ترکیه، تغییر معناداری در سیاست خارجی این کشور نسبت به دوران کمالیست‌ها به وجود آمده است؟ در پاسخ و با رویکردی مقایسه‌ای و تبیین مصداقی روابط ترکیه با خاورمیانه، اتحادیه اروپا و اسرائیل بیان می‌شود که در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه ما شاهد تغییرات (یا گسست) جدی در سیاست خارجی ترکیه هستیم. در پژوهش‌های به زبان فارسی مرتبط‌ترین پیشینه به موضوع این پژوهش، مقاله باقری دولت‌آبادی و نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی علل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه بر اساس رهیافت سازه‌انگاری» است. نویسندگان نوامبر ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه رایک نقطه عطف در سیاست خارجی ترکیه می‌دانند، و با بررسی نظرات داوداغلو چنین نتیجه می‌گیرند که سیاست‌مداران جدید دارای برداشت متفاوتی از رهبران قبلی هستند و این امر موجب تغییرات جدی در سیاست خارجی ترکیه شده است. پژوهش دیگر مقاله کوشکی و رنجبر محمودی (۱۳۹۴) به نام «منطقه‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد (با تأکید بر مولفه‌های فرهنگی و اقتصادی)» است. این مقاله به توصیف منطقه‌گرایی جدید و نیز بررسی عوامل و رویکردهای حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی ترکیه می‌پردازد. آکا^۱ (۲۰۱۴) نویسنده ترک در مقاله «تغییر پارادایمیک در سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد» معتقد است، دوره پساجنگ سرد، دوره جدیدی در سیاست خارجی ترکیه است که ویژگی آن تلاش این کشور برای ایجاد اتحاد ایدئولوژیکی با کشورهای تجزیه شده از امپراطوری عثمانی است. به نظر وی این دوره را می‌توان به زیر- دوره‌هایی^۲ تقسیم کرد که سیاست خارجی ترکیه را بر اساس ویژگی مذکور تحلیل کرد. ارهان دوغان^۳ (۲۰۱۴) در مقاله «استمرار و تغییر در سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه»، با استفاده از مفهوم جعل شده توسط ریچارد روز کرانس ترکیه را یک «دولت تاجر» توصیف می‌کند. البته این تاجرمناب‌ی و عمل‌گرایی در دوره حزب عدالت و توسعه با لعا‌بی از ایدئولوژی

1. Aka

2. sub-period

3. Erhan Dogan

و لفاظی همراه شده است. تاکید بر گذشته شکوهمند و نیز پیوندهای مذهبی و فرهنگی ترکیه با جغرافیای عثمانی درونمایه ایدئولوژیک ترکیه است. البته ترکیه کماکان با حفظ روابط خود با آمریکا و تلاش برای پیوستن با اتحادیه اروپا جنبه عمل‌گرایی خود را حفظ کرده است. کورساد توران^۱ (۲۰۱۲) استاد روابط بین‌الملل دانشگاه قاضی آنکارا نیز در مقاله «تغییرات در سیاست خارجی ترکیه: تحول یا منافع زودگذر؟» به تغییرات اخیر سیاست خارجی ترکیه پرداخته است. دو نمود این تغییرات عملکرد مستقل‌تر ترکیه به ویژه در سطح منطقه و تمرکز به مسئله فلسطین می‌باشد. احمد سوزن^۲ (۲۰۱۰) در مقاله «تغییر پارادایمیک در سیاست خارجی ترکیه: تحولات و چالش‌ها» با نقد چارچوب نظری سیاست قدرت برای بررسی ترکیه و لزوم توجه به عوامل هنجاری و داخلی سیاست خارجی راهبرد جدید سیاست خارجی ترکیه را که برآمده از عمق راهبردی داوداغلو است ترکیبی از پنج اصل می‌داند: توازن بین امنیت و آزادی؛ مشکلات صفر با همسایگان؛ سیاست‌های چندبعدی یا چندمسیری؛ گفتمان دیپلماتیک جدید بر مبنای انعطاف‌پذیری مستحکم و دیپلماسی ریتمیک. مقاله آخر، مقاله زیا اونیس^۳ (۲۰۱۱) به نام «چهره‌های چندگانه سیاست خارجی «جدید» ترکیه: محرکه‌های بنیادین و یک نقد» است. وی محور مقاله خود را بحث‌های اخیر پیرامون «تغییر محور»^۴ قرار داده است. او عناصر استمرار و تغییر سبک سیاست خارجی ترکیه را مورد بحث قرار می‌دهد و می‌گوید ترکیه بنا بر زمینه بین‌المللی فعلی که جهان جندقطبی می‌باشد یک سیاست خارجی چندبعدی و صریح‌تر را در پیش گرفته است. نقد او نیز به این رویکرد ترکیه این است که کنش‌گرایی^۵ و سیاست خارجی چندبعدی ترکیه بدون داشتن محور مشخص و صرفاً براساس عمل‌گرایی ممکن است بر نقش ثبات‌آفرین ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای خوش‌خیم اثرات سوئی بگذارد. پژوهش‌های مذکور چهار کاستی دارند، اول اینکه هیچ‌کدام تفاوت‌های گفتمان کمالیسم و پساکمالیسم را به طور دقیق مورد موشکافی قرار نداده‌اند، دوم اینکه قائلان به گسست یا تداوم سیاست خارجی ترکیه هیچ‌یک، در تحکیم ادعای خود تلاش چندانی نکرده‌اند، سوم اینکه بررسی تطبیقی (به عنوان یک روش مناسب تبیین) برای بررسی دو دوره در مقالات مذکور

1. Kürşad Turan
2. Ahmet Sözen
3. ZİYA ÖNİŞ
4. shift of axis
5. activism

به چشم نمی‌خورد و چهارم آنکه عمدتاً این پژوهش‌ها بر اساس مواضع رسمی و رویکرد اولیه حزب عدالت و توسعه به تبیین پسا کمالیست‌ها پرداخته‌اند حال باید به ابعاد و سخنان غیررسمی مقامات نیز توجه کرد و تغییراتی که طی ۱۶ سال زمامداری پسا کمالیست‌ها رخ داده را نیز لحاظ کرد؛ چرا که مثلاً سیاست تنش صفر با همسایگان، چندان رویکرد مناسبی برای سیاست خارجی ترکیه از دوره ناآرامی‌های کشورهای عربی به بعد نیست.

۲- چارچوب مفهومی: سنت‌های نظری در سیاست خارجی ترکیه

برای بررسی جنبه‌های نظری سیاست خارجی ترکیه چارچوب‌های تئوریک مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. همه این نظریات برای «پرتوافکنی»^۱ بر سیاست خارجی ترکیه مفیدند، اما برای «تبیین» و «تفهم» سیاست خارجی ترکیه دارای کاستی‌هایی هستند. برای کاربست نظریه‌های زمینه‌مند غربی در مناطق دیگر همیشه محدودیت‌هایی وجود دارد و به نظر نگارندگان وقتی برای سیاست خارجی کشوری یک گفتمان و سنت فکری بومی نیرومند و جاافتاده وجود داشته باشد می‌توان آن را به عنوان چارچوب مفهومی سیاست خارجی به کار برد. اگر زمینه‌مندی نظریه‌ها را بپذیریم، پارادایم واقع‌گرایی، به عنوان یک نظریه آمریکایی، برای بررسی سیاست خارجی آمریکا بسیار مناسب است، اما برای جوامع دیگر کاستی‌های دارد. در ترکیه نیز «کمالیسم» یک پارادایم یا گفتمان ریشه‌داری است که دارای مفاهیم، اصول و مفروضه‌های خاص خود است و حدود یک‌صد سال سیاست خارجی ترکیه را می‌توان در پرتو آن تبیین کرد. به عبارت دیگر کمالیسم را همانند هر آموزه دیگر همچون مارکسیسم و لیبرالیسم می‌توان مبنای فهم وقایع دانست. از آن‌جا که این مقاله رویکردی تطبیقی دارد، و برآن است که تحت زمامداری حزب عدالت و توسعه، پس از حدود ۸۰ سال تغییراتی در گفتمان مذکور به وجود آمده است، بنابراین چارچوب مفهومی پژوهش خود را کمالیسم و نظریه در حال شکل‌گیری پسا کمالیسم قرار داده است.

الف: جهت‌گیری سیاست خارجی در دوره کمالیست‌ها: همگرایی با غرب

همان‌گونه که نمی‌توان گلیسم را بدون توجه به ژنرال دوگل شناخت، کمالیسم را نیز نمی‌توان بدون شناخت آتاتورک بررسی کرد. کمال از دوران دانشجویی در دانشکده افسری

1. shed light



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۲۰

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

با مطالعه اندیشمندان غربی همچون کنت و روسو دلبسته گرایش‌های جمهوری خواهانه و ضدسلطنتی، علم‌گرایی و به‌ویژه لائسیسم شد. لذا به عنوان نمونه در مجلس بزرگ ملی یک سال پیش از معاهده لوزان که در آن علما با بیان قرآن و حدیث درصدد حفظ خلافت بودند، مصطفی کمال اعلام کرد «آقایان حق حکومت با بحث‌های مدرسه‌ای به دست نمی‌آید. پسران عثمان با زور قدرت را به دست گرفتند و به مدت شش قرن سیادت خود را تحمیل کردند. اکنون ملت سر به شورش برداشته و مصمم است حاکمیت را به دست گیرد^۱». اعلام آنکارا به عنوان پایتخت به جای استانبول که نماد خلافت دینی بود، تعطیلی دستگاه شیخ الاسلام، انحلال محاکم شرع، بازنشسته کردن همه علما، ممنوعیت مدارس دینی، انحلال وزارت دینی و اوقاف، حذف اسلام به عنوان دین رسمی در قانون اساسی، دادن حق رأی به زنان و... در سراسر کشور از جمله اقدامات دین‌ستیزانه آتاتورک بود (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۲۳-۲۰۸).

کمالیسم دارای شش اصل یا شش پیکان^۲ (که در پرچم حزب خلق جمهوری‌خواه ترکیه می‌باشد) است؛ جمهوری‌خواهی، ملی‌گرایی، مردم‌گرایی، سکولاریسم، دولت‌گرایی و انقلابی‌گری. جهت‌گیری ترکیه در در دوران آتاتورک در سیاست خارجی انزواطلبی بود. به ویژه در حوزه منطقه‌ای، از آن‌جا که اسلام مترادف عقب‌افتادگی و پس‌رفت تلقی می‌شد تلاش می‌شد تا حدا امکان ترکیه از این حوزه پرمنازعه دور بماند (ستوده و نیاکویی، ۱۳۹۷: ۱۱۵). پروژه‌های جاه‌طلبانه آتاتورک، مدرنیزاسیون و اصلاحات فرهنگی، ترکیه را واداشت تا از جهان آشفته پیرامونی که برای سده‌ها بر آن حکومت می‌کرد، دور بماند. پیام ترکیه برای منطقه و جهان این بود که این کشور یک دولت-ملت سکولار است و گرایش‌های امپراطوری و انضمام‌طلبانه، همانند سلف خود ندارد (کوزه بالابان، ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۱۱). و این مسئله در جمله معروف آتاتورک «صلح در خانه و صلح در جهان» آشکار است. اما الزامات عینی، همچون رویکرد تهاجمی شوروی به عنوان همسایه ترکیه، این کشور را وادار می‌کرد که به هر صورت جهت‌گیری‌ای در سیاست خارجی داشته باشد و آن نیز همکاری و همگرایی کامل با غرب بود. (OLSON and others, 1977: 231).. از این رو گفتمان

۱. مقایسه شود با موضع گیری‌های اردوغان درباره عثمانی. «آنان می‌خواهند ما تاریخ عثمانی و سلجوقی خود را فراموش کنیم، آن زمان که پدران ترک ما بر سرزمینی امتداد یافته از آسیای مرکزی تا خاورمیانه تسلط داشتند» (فردانپوز، ۱۳۹۵). تاریخ کشورمان را اینگونه اعلام کنند که از سال ۱۹۲۳ آغاز شده است. برخی تلاش می‌کنند که ما را از ریشه‌ها و ارزش‌های باستانی‌مان جدا کنند.» (ایسنا، ۱۳۹۶)

2. Six Arrows



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

کمالیسم، به عنوان یک پروژه جامع که به تعبیر آتاتورک «هدف و تلاش واقعی آن رسیدن به تمدن غربی است»، به طور طبیعی اقتضای یک سیاست خارجی غرب‌گرا را داشت. به عبارت دیگر از دل گفتمان عمومی «کمالیسم» گفتمان سیاست خارجی «غرب‌گرا» بیرون آمد. در مجموع در ترکیه تا زمان نخست‌وزیری اربکان، ۲۱ نخست وزیر کابینه تشکیل دادند که همه آن‌ها را می‌توان زیر مجموعه کمالیسم قرار داد که همگی یک سیاست خارجی کم‌تحرك به همراه همگرایی با ناتو برای امنیت، توسعه روابط با کشورها و نهادهای اروپایی برای توسعه اقتصادی و فرهنگی، همکاری با اسرائیل و انزوا از منطقه را در پیش گرفتند.

ب: جهت‌گیری سیاست خارجی در دوره پسا کمالیست‌ها؛ پیرامون‌گرایی

در ترکیه گفتمان رسمی و یا سیاست‌مداری که خود را پسا کمالیست بخواند وجود ندارد و این تنها مفهومی نظری است که تحلیل‌گران به برخی افراد و گروه‌های موجود در ترکیه داده‌اند. اولین سیاست‌مداری را که می‌توان پسا کمالیست نامید، نجم الدین اربکان است که در ژوئن ۱۹۹۶ در دولت سلیمان دمیرل قدرت را به دست گرفت.^۱ به قدرت رسیدن حزب رفاه به رهبری اربکان اولین زاویه‌گیری عمده از کمالیسم در سیاست داخلی و خارجی بود. انتقاد از غرب و اسرائیل، اعتدال نسبت به کردها، استفاده از ادبیات و واژگان اسلامی، چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، تلاش برای ایجاد فاصله با غرب و نزدیکی به کشورهای اسلامی (به صورتی که به هیچ کشور غربی سفر نکرد و عمده سفرهایش به کشورهای اسلامی بود)، عدم تمکین به قانون داماتو و تداوم روابط با ایران و لیبی، امضای توافق ۲۰ ساله گازی با ایران و تأسیس سازمانی اسلامی از جمله رویکردهای پسا کمالیستی اربکان بود. در مقابل این اسلام‌گرایی‌های اربکان ارتش و کمالیست‌ها نیز بی‌کار ننشسته بودند و شورای امنیت ملی اعلام کرد که بنیاد تشکیل این کشور بر اساس لائیسیته است و نخواهد گذاشت که دولت اربکان آن را تغییر بدهد. همچنین آن‌ها دولت اربکان را وادار کردند تا روابط خود را با اسرائیل بهبود بخشد لذا مهم‌ترین قرارداد نظامی ترکیه با اسرائیل در ژوئن ۱۹۹۷ امضا شد که البته اربکان پس از آن استعفا داد که برخی از آن به عنوان کودتا نام می‌برند. دادگاه حزب رفاه را منحل کرد و اربکان را از فعالیت سیاسی بازداشت و همچنین دادگاه شهردار جوان استانبول یعنی اردوغان را به جرم خواندن شعری مذهبی از ضیا گوکالپ^۲ به چهار ماه زندان محکوم

۱. البته برخی اوزال را هم پسا کمالیست نامیده‌اند.

۲. شعر «مساجد سنگرهای ما هستند، مقبره‌ها سرپناه ما، مناره‌ها نیزه‌های ما و مومنانسربازن ما هستند»



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعه نرسانف العلم الاسلامی

۲۲۲

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

کرد (کوزه بالابان، ۱۹۲: ۲۹۷-۲۸۱). دومین مرحله قدرت‌گیری پساکمالیست‌ها انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه بود. در این دوره نفوذ کمالیست‌ها در رسانه‌ها، قوه قضاییه و نهادهای نظامی به حاشیه رفت. اردوغان قدرت را در حزب عدالت و توسعه در انحصار گرفت. او همچنین شخصاً می‌خواست خلأ کمالیسم را در سیاست ترکیه را پر کند (Kura, 2015: 10). هرچند تسلط اردوغان بر گفتمان پساکمالیسم به اندازه تسلط آتاتورک بر کمالیسم نیست، اما مواضع وی بیشترین تأثیر را بر آن دارد به نوعی که برخی به جای پساکمالیسم از «اردوغانیسم» صحبت می‌کنند. گرایش‌های شخصی اردوغان نشان داده است که وی با آتاتورک و کمالیسم اختلاف نظرهای بنیادین دارد. مثلاً در حالی که آتاتورک گفته بود «باید از تسلط چندین قرنی علامات و رسم الخطی که دانستن و یاد دادن آن مشکل است و در ذهن‌های ما تبدیل به قالب‌های سختی شده، خلاص شویم»، اردوغان ضمن دستور آموزش زبان عثمانی و رسم الخط عربی بیان کرد: «آتاتورک با حذف زبان عثمانی رگ گردن ترکیه را قطع کرد... بسیاری از ما وقتی سر مزار اجدادمان حاضر می‌شویم نمی‌توانیم حتی متن نوشته شده روی سنگ قبر آنها را بخوانیم» (فرارو، ۱۳۹۳). و یا با وجود تلاش کمالیست‌ها برای «عثمانی‌زدایی» از ترکیه، اردوغان امپراطوری عثمانی را مایه افتخار می‌داند و از آن دفاع می‌کند. مثلاً در پاسخ صحبت ضدعثمانی وزیر خارجه امارات اردوغان بیان کرد «زمانی که فخرالدین پاشا از مدینه دفاع می‌کرد شما بیچاره‌هایی که به ما تهمت می‌زنید، اجدادتان کجا بود.» (aljazeera, 2017). در چارچوب نوعثمانی‌گرایی ملی‌گرایی ترکی با اسلام‌گرایی و اندیشه خلافت تلازم پیدا می‌کند از این رو راه برای کنش‌گری در مناطق پیرامونی ترکیه باز می‌شود (اردبیلی و مسعودنیا، ۱۳۹۷: ۲۵).

به لحاظ نظری داوداغلو وزیر خارجه پیشین را می‌توان مهم‌ترین نظریه پرداز پساکمالیست دانست. او در کتاب عمق راهبردی می‌گوید ترکیه مرکز یک تمدن اسلامی - ترکی می‌باشد. باید توجه کرد این گزاره گسست قابل توجهی از جهت‌گیری کمالیست‌ها است چرا که آن‌ها تصور می‌کردند مرکز تمدن، اروپا است و ترکیه باید خود را در درون این تمدن جا بدهد. از نظر اغلو بحران هویت و رویکرد تدافعی ترکیه ناشی از عدم توجه به نکته مزبور است. او معتقد است سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه به جای در نظر گرفتن منافع خود در منطقه به سمت تبعیت از طرح‌های قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای سوق داده شده است و با نقد گفتمان

کمالیست‌ها بیان می‌دارد ترکیه پس از جنگ جهانی اول با تخریب تمامی پل‌های سیاسی، فرهنگی و راهبردی خود و پشت کردن به خاورمیانه در تقسیم منابع طبیعی منطقه نتوانست از حاکمیت پانصد ساله خود بر منطقه استفاده بکند و در حالی که در بسیاری از پایتخت‌های عربی همچون دمشق و بغداد تا سده بیستم بخشی از مردم به زبان ترکی تکلم می‌کردند ترکیه به جای اینکه ارتباطات خود را با آن‌ها مستحکم بدارد، به سمت بیگانه و دور شدن از آن‌ها پیش رفت. انتقاد مشخص اوغلو این است که ترکیه به طور تأسف باری «با وجود در دست داشتن منطقه به مدت پانصد سال، امروزه سیاست خود را در منطقه با شاخص‌های راهبرد اسرائیل که تنها دارای سابقه تاریخی ۵۰ ساله در منطقه می‌باشد، تنظیم کرده است». از نظر اوغلو ترکیه ضرورت داشتن امنیت در برابر شوروی را به قیمت سهل‌انگاری و مماشات نسبت به حوزه نفوذ طبیعی خود به دست آورد. ترکیه با دست خود و با اتخاذ سیاست جغرافیایی ایستا و تک محوری (غرب‌گرایی)، خود را تبدیل به کشوری حاشیه‌ای در منطقه کرد و با دیدگاه درون‌گرایانه و مبتنی بر راهبرد تنگ نظرانه امنیتی فقط در صدد حفظ خود در چارچوب مرزهای خودش بوده است (داوداوغلو، ۱۳۹۲: ۷۵-۶۱).

البته اوغلو و دیگر به اصطلاح پسا کمالیست‌ها، به نوعی خود را همچنان ادامه کمالیسم می‌دانند. اما واقعیت این است که گفتمان پسا کمالیسم به عنوان یک «پاد گفتمان» برای کمالیسم محسوب می‌شود. بسیاری از تحقیقات با تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان سخنان رهبران فعلی ترکیه نشان داده‌اند که گسستی جدی در گفتمان کمالیسم در مراحل شکل‌گیری می‌باشد که نشانه‌های آن در سطحی گسترده ظاهر شده است به نوعی که بسیاری از رویکردهای سیاست خارجی ترکیه را نمی‌توان در چارچوب گفتمان کمالیسم تبیین کرد. البته نظریه پردازان پسا کمالیست برای پرهیز از ایجاد حساسیت، تا حدودی با ادبیات خود کمالیست‌ها صحبت می‌کنند اما شیوه مفصل‌بندی آن‌ها از مفاهیم کمالیسم به صورتی است که معنای کمالیسم را تحریف می‌کند که نظریه پردازان کمالیست این مسئله را نوعی ریاکاری می‌دانند (Bagdonas, 2008: 110). به نظر می‌رسد این نقد تا حدودی درست باشد، زیرا پسا کمالیست‌ها می‌گویند سکولاریسم، به عنوان یکی از دال‌های کمالیسم با اسلام‌گرایی آن‌ها قابل جمع است چرا که آن‌ها با هم نشین کردن جمهوری خواهی و پوپولیسم در کنار سکولاریسم و اسلام‌گرایی یک زنجیره هم‌ارزی را درست می‌کنند که در آن مردم مسلمان ترکیه می‌توانند با حفظ ارزش‌ها

و گرایش‌های خود در سیاست فعالانه شرکت کنند. البته این گفتمان متعادل و کارایی به نظر می‌رسد اما دیگر کمالیسم نیست و حتی نمی‌توان آن را یک خرده گفتمان در چارچوب ابرگفتمان کمالیسم دانست. چرا که در اساس اسلام‌گرایی یک «دیگری» تهدید کننده برای کمالیسم است و این گفتمان از طریق برون‌گذاری یا طرد^۱ اسلام به خود هویت می‌بخشد و نمی‌توان یک گفتمان را با اصلی‌ترین دشمن و تهدید خود جمع کرد.

۳. مقایسه دو گفتمان سیاست خارجی ترکیه در عرصه عملی

بر پایه نظریه‌های گفتمانی و سازه‌انگاره تمام اعمال افراد و گروه‌ها، از جمله سیاست خارجی، در چارچوب هویت و گفتمان بر ساخته شده انجام می‌شود. این ساختارهای معنایی، یعنی گفتمان‌ها و هویت‌ها، در حوزه سیاست خارجی بسیاری از رفتارها را منفی و ممنوع و برخی دیگر را مطلوب و در راستای منافع ملی می‌سازند. سیاست‌مدارانی که هویت خود را اسلام‌گرا، لیبرال یا مارکسیست می‌دانند رفتار متمایزی در سیاست خارجی دارند و این گونه نیست که رفتار آن‌ها صرفاً منوط به قدرت نسبی آن‌ها باشد. تفکر سازه‌انگاره، تمرکز را از توانمندی‌ها به هویت می‌دهد. یعنی تاکید از «آنچه دولت‌ها می‌توانند بر اساس جایگاه و موقعیت خود در ساختار انجام دهند» به «آنچه آن‌ها به دلیل چگونگی تعریف خود می‌خواهند انجام دهند» تغییر می‌یابد. همان‌گونه که اوفف در کتاب «جهان ساخته ما»^۲ بیان می‌کند، بازیگران، جهان خود را می‌سازند. لذا دوست و دشمنی به صورت پیشینی وجود ندارد و این بازیگران هستند که دوستان و دشمنان را برمی‌سازند (کوبالکوا، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۲). بر این مبنا در ادامه تلاش بر این است که نشان داده شود که دو گفتمان چه نمودهایی در عرصه رفتاری سیاست خارجی ترکیه داشته‌اند. برای این منظور سه نمونه اتحادیه اروپا، خاورمیانه و مسئله فلسطین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱: اتحادیه اروپا

الف: کمالیست‌ها

ترکیه درخواست رسمی عضویت کامل خود را در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۷ تسلیم شورای

1. Exclusion

2. world of our making

وزیران جامعه اروپا نمود که این تلاش‌ها با اعلام نظر کمیسیون اروپا در دسامبر ۱۹۸۹ درباره عضویت کامل ترکیه در جامعه اقتصادی اروپا ناکام ماند (آقائی، ۱۳۹۰: ۲). برای کمالیست‌ها عضویت در نهادهای اروپایی به عنوان تضمین امنیت سکولاریسم ترکیه در برابر تهدیدات اسلام‌گرایان تلقی می‌شد (Bilgin, 2011: 15). تلاش ترکیه برای پذیرش در «دنایای متمدن» اروپایی به دهه‌ها قبل از تشکیل اتحادیه اروپا بر می‌گردد. شاید بتوان ادعا کرد که پیوستن به جامعه اروپا و اتحادیه اروپا برای چهار دهه مهم‌ترین اصل سیاست خارجی ترکیه بود. در واقع کمالیست‌ها اصلی‌ترین مصداق اروپایی‌شدن خود را عضویت در نهادهای اروپایی می‌دانستند. هرچند ترکیه در سال ۱۹۵۲ عضو ناتو شده بوده بود اما عضویت در نهادهای اروپایی به لحاظ اقتصادی و فرهنگی اهمیت بیشتری داشت. چنان‌که آتاتورک بیان کرده بود «کدام ملتی که خواسته است متمدن شود در مسیر اروپا حرکت نکرده است» (Bagdonas, 2008: 102).

در سال ۱۹۶۳ با موافقت دوگُل، ترکیه عضو وابسته جامعه اقتصادی اتحادیه اروپا شد. تسریع جدایی بیشتر دین از سیاست، مزایای اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری، نوسازی قضایی، سیاسی و فرهنگی، تقویت موضع ترکیه در برابر یونان و تضعیف اسلام‌گرایی از جمله دلایل کمالیست‌ها برای عضویت در اتحادیه اروپا بود. کمالیست‌ها برای انطباق با «معیارهای کپنهاگ» اصلاحات زیادی در طول سالیان متمادی از جمله لغو مجازات اعدام، اعطای حقوق بیشتر زنان، حق تحصیل به کردها انجام دادند. از آن‌جا هم که درخواست کمالیست‌ها عضویت کامل بوده است، همه پیشنهادها اتحادیه اروپا از جمله عضویت وابسته و مانند آن را رد می‌کردند. کمالیست‌ها همچنین توانسته بودند افکار عمومی را با خود هم‌سو کنند و لذا اکثریت مردم، چنان‌که از برخی نظرسنجی‌ها پیداست، موافق حضور کامل در نهادهای اروپا بودند. به طوری‌که در ژوئن ۱۹۸۶ تنها ۸ درصد مردم با عضویت در شورای اروپا مخالف بودند (نوع پرست، ۱۳۸۳: ۸۰-۷۹). البته این دیدگاه مثبت کمالیست‌ها صرفاً در بعد فرهنگی نبود و به لحاظ اقتصادی نیز تصور بر این بود که همگرایی بیشتر با اروپا موجب توسعه اقتصادی خواهد شد. در این راستا ترکیه با دور شدن از خاورمیانه و مبادلات بیشتر با اروپا در زمان اوزال در دهه ۱۹۸۰ به جایی رسید که روابط تجاری‌اش با اروپا از خاورمیانه نیز پیشی گرفت. ترکیه در این راستا توانست با فشار بر اتحادیه، موافقت‌نامه گمرکی را با این

کشور در سال ۱۹۹۵ به امضا برساند. خانم چیلر نخست‌وزیر ترکیه بیان کرده بود که «این توافق نه تنها نقطه عطفی برای ترکیه بلکه نماد نیت و قصد ترکیه آتاتورک برای مدرن شدن بود» (باغچی و چالیش، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۵۹).

ب: پساکمالیست‌ها

از اواسط دهه ۱۹۹۰ اختلاف‌نظرها پیرامون عضویت در اتحادیه اروپا بین اسلام‌گرایان و کمالیست‌ها قابل مشاهده بود. حزب رفاه دیدگاهی انتقادی به اتحادیه اروپا به عنوان یک باشگاه مسیحیت داشت. انگیزه حزب عدالت و توسعه نیز از پیوستن به اتحادیه نه برای تقویت غربی شدن بلکه بیشتر برای کاستن از قدرت نظامیان و دموکراتیک کردن بیشتر بود (Kuru, 2015: 14). اوغلو در سراسر کتاب خود رویکرد غیرمنطقی ترکیه به اتحادیه اروپا را که «یا وارد خواهیم شد و یا وارد نخواهیم شد» را مورد نقد قرار می‌دهد. او این رویکرد را هیجانی و افراطی می‌داند. مسئله جالب توجه این که اوغلو در سال ۲۰۰۱ پیش‌بینی می‌کند مشکلی که از این پس بین ترکیه و اتحادیه اروپا به وجود خواهد آمد، سیاست‌های جدید ترکیه در مناطق پیرامونی خود همچون خاورمیانه و قفقاز می‌باشد. چرا که ترکیه تاکنون رفتارهایی هماهنگ با آمریکا در مناطق پیرامونی خود انجام داده است اما از این پس رفتارهای متفاوتی انجام خواهد داد (داود اغلو، ۱۳۹۱: ۴۸۹). در واقع کمترشدن اشتیاق ترکیه در مورد به عضویت درآمدن به اتحادیه اروپا در زمان پساکمالیست‌ها ضمن اینکه به رشد زیاد اقتصادی این کشور در دوران حزب عدالت و توسعه بر می‌گردد، به طور ریشه‌ای‌تر برآمده تضادی است که اردوغان نیز آن را به زبان آورده و می‌گوید مانع اصلی عضویت ترکیه، مشکل فرهنگی است (لواسانی، ۱۳۸۴: ۸). بر خلاف آنچه کمالیست‌ها انتظار داشتند، مدرنیزاسیون نتوانسته است مظاهر فرهنگ اسلام‌گرایی را در این کشور از بین ببرد. اردوغان در دفاع از پیوستن به اتحادیه اروپا گفته بود «هدف عضویت در اتحادیه اروپا مهم‌ترین پروژه در راستای تحقق هدف آتاتورک یعنی دستیابی به تراز تمدن معاصر است» (Bagdonas, 2008: 10). اما با دقت در این صحبت هم می‌توان کم‌میل شدن ترکیه به عضویت در اتحادیه اروپا دریافت. چرا که از این منظر عضویت در اتحادیه اروپا «میراثی کمالیستی» محسوب می‌شود. این بی‌علاقگی نیز با توجه به پایگاه اجتماعی حزب عدالت و توسعه، که بیشتر از قشر



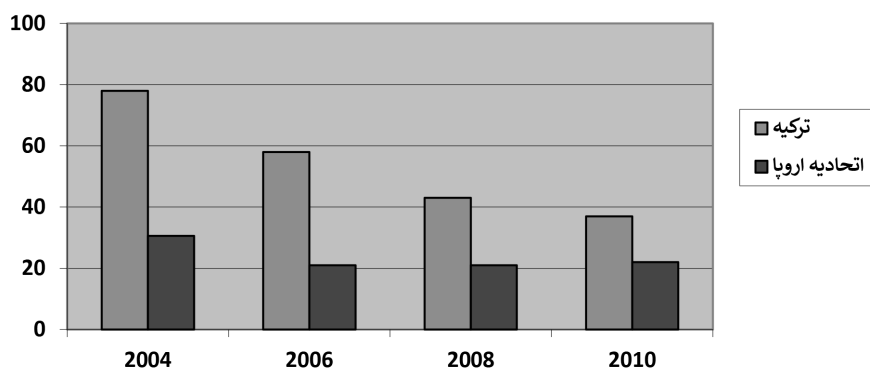
انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های دینی جهان اسلام

۲۲۶

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

مذهبی‌ها هستند، قابل ارزیابی است. مثلاً ورود به پیمان شنگن اروپا در سال‌های گذشته برای ترکیه به صورتی نمادین و جزء آرزوهای مردم، به ویژه تجار و جوانان و نیز رهبران ترکیه بوده است. اما اردوغان نشان داده است حداقل اشتیاق کمتری به پیمان شنگن دارد و به نوعی حامی «شنگن اسلامی» است. اردوغان در سال ۲۰۱۰ در لبنان پیشنهاد یک منطقه آزاد بین ترکیه، لبنان، لیبی، سوریه، اردن و حتی ایران داد و گفته بود «اتحادیه اروپا می‌گوید شنگن. چرا ما نتوانیم به راحتی یک شنگن مشابهی در میان خودمان ایجاد کنیم؟» (Aka, 2014: 68). در سال‌های اخیر عالی‌ترین مقامات ترکیه بارها از سیاست‌های اتحادیه اروپا انتقاد کرده‌اند، مسئله‌ای که در دوره کمالیست‌ها مرسوم نبود. همچنین ترکیه در سال‌های اخیر اختلافات بی‌سابقه‌ای با اعضای اتحادیه اروپا پیدا کرده است. مثلاً پس از اینکه هلند از سخنرانی وزرای ترکیه در این کشور در حمایت از رفتارندوم خودداری کرد، ترکیه همه روابط دیپلماتیک را با هلند قطع کرد، مانع ورود سفیر این کشور به ترکیه شد و همه پروازهای دیپلماتیک را در ارتباط با هلند که در سرزمین ترکیه فرود آید یا از فضای هوایی این کشور بگذرد، ممنوع کرد و اردوغان نیز اعلام کرد این اقدام هلند «بقایای نازیسم» می‌باشد و پس از اینکه بروکسل از ترکیه خواست ادبیات خود را تغییر دهد وزیر خارجه آنکارا اعلام کرد اتحادیه اروپا ارزش‌های دموکراتیک را گزینشی اعمال می‌کند و «این برای اتحادیه اروپا خیلی زشت است که خود را پشت سر انسجام اعضایش پنهان کند و طرف هلند را بگیرد، کشوری که آشکارا حقوق بشر و ارزش‌های اروپایی را نقض کرده است» (Gursrs, 2017). مواضع اتحادیه اروپا و اعضای آن به نحو بی‌سابقه‌ای نسبت به ترکیه منفی شده است. به صورتی که پارلمان اروپا به پیشنهاد فرانسه در ژوئیه ۲۰۱۷ با اکثریت آرا طرح توقف مذاکرات ترکیه در اتحادیه اروپا را تصویب کرد. مرکل نیز در مناظره انتخاباتی خود بیان کرده بود که من از ابتدا مخالفت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بوده‌ام و «روشن است که ترکیه نباید عضو اتحادیه اروپا شود... من با همکارانم صحبت خواهم کرد که ببینیم آیا می‌توانیم به موضع مشترکی دست یابیم که گفتگوهای مربوط به عضویت ترکیه را خاتمه دهیم» (reu-ters, 2017). مکرون نیز در کنفرانس خبری با اردوغان در ژانویه ۲۰۱۷ بیان کرده بود هیچ شانس برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا ندارد و بهتر است این کشور به جای تلاش برای عضویت به دنبال مشارکت با اتحادیه باشد (business-standard, 2017) که البته اردوغان

نیز پاسخ داد که ترکیه عضویت در اتحادیه اروپا را گدایی نمی‌کند (ایلنا، ۱۳۹۶). البته روند رادیکال‌شدن و مخالفت‌جویی با اروپا در دوره حزب عدالت و توسعه افزایش داشته است تا جایی که برخی از پرهش‌گران از موضع «ضد اروپایی» ترکیه صحبت می‌کنند که در آن اروپا یک «دیگری» هویتی برای ترکیه است که این کشور هویت خود را از طریق نفی آن کسب می‌کند (Kaliber, 2019: 4). کاهش تمایل دو طرف به همکاری در نمودار زیر مشخص است. هرچند این نظر سنجی تا سال ۲۰۱۰ را پوشش می‌دهد و احتمالاً در سال‌های اخیر این آمار کاهش نیز یافته باشد.



نمودار ۱: درصد موافقت مردم ترکیه و اعضای اتحادیه اروپا با پیوستن ترکیه به این سازمان (economist, 2010)

البته باید توجه داشت که هنوز نیز پیوستن به اتحادیه اروپا جزء اهداف ترکیه است. شاهد این ادعا این است که ترکیه در سال‌های اخیر از هیچ‌گونه مذاکره و تلاشی برای عضویت در اتحادیه اروپا فروگذار نکرده و از هیچ‌گونه ترتیبات و توافقات با اروپا خارج نشده است و حتی دولت ترکیه در سال ۲۰۱۱ وزارت امور اتحادیه اروپا^۱ را برای هماهنگی بیشتر و تسریع فرآیند پیوستن به این سازمان تأسیس کرد. ترکیه دو رویکرد در این راستا اتخاذ کرده است؛ اول نزدیک شدن به برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که به نوعی دشمن و یا رقیب اتحادیه اروپا تلقی می‌شوند و مسئله دیگر کاهش تمایل و هیجان ظاهری برای پیوستن به اتحادیه اروپا. جدول زیر کاهش میزان قابل توجهی از طرفداران پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در ترکیه را نشان می‌دهد.

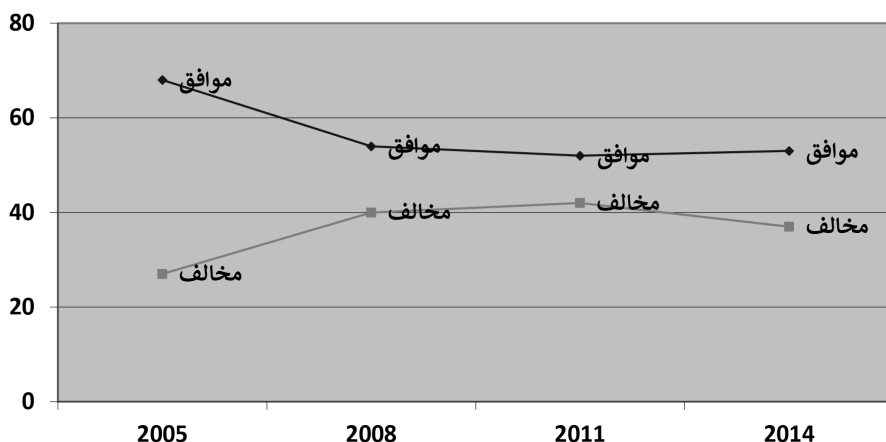


فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۲۲۸

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

1. Ministry of European Union Affairs



نمودار ۲: درصد موافقان و مخالفان پیوستن به اتحادیه اروپا در ترکیه (pewglobal, 2014)

اما به هر صورت انتقاد از اتحادیه اروپا و تهدید به اتحاد با طرف‌های دیگر از رویکردهای پساکمالیست‌ها برای عضویت بی‌دردسر در اتحادیه اروپا بوده است. به عنوان مثال این موضع در سخنان آرگون ایبارس^۱ دبیرکل اسبق شورای امنیت ملی ترکیه که یک آتاتورکیست واقعی و عضو موسسه اصول و انقلاب آتاتورک^۲ می‌باشد، مشخص است. او گفته بود هدف اتحادیه اروپا فقیر کردن ترکیه و وضع قواعد بی‌پایان در به اصطلاح مسائل قبرس، دریای اژه، ارمنستان و کردها برای عضویت این کشور به منظور تضعیف آن است، حال آن‌که «ترکیه قدرت خود را از ایدئولوژی کمالیسم می‌گیرد و دست‌یابی به تمدن مدرنی که در کمالیسم مطرح می‌شود از سوی نیروهای امپریالیست تهدیدی جدی علیه مطامع آن‌ها در خاورمیانه است ... و اتحادیه اروپا یک استعمارگر جدید است که هدفش تجزیه ترکیه است» وی در ادامه پیشنهاد می‌دهد ترکیه بهتر است «در جستجوی متحدان تازه‌ای برای خود باشد که می‌تواند شامل ایران و فدراسیون روسیه شود» (Bagdonas, 2008: 103).

جدول ۱: مقایسه رویکر کمالیست‌ها و پساکمالیست‌ها نسبت به اتحادیه اروپا

۱. کمالیست‌ها	۲. پساکمالیست‌ها
پیوستن به نهادهای اروپایی به عنوان مهم‌ترین هدف	پیوستن به اتحادیه اروپا به عنوان یکی از اهداف فرعی
منبع فرصت صرف	فرصت‌ها در کنار تهدیدات
مزایای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی عضویت	مزایای اقتصادی

1. Ergun Aybars

2. institute of ataturk's principles and revolution

ترکیه پس از فروپاشی عثمانی سیاست درگیری عثمانی در منطقه را به کلی کنار گذاشت. البته این مسئله تا حدی هم طبیعی بود، چرا که ترکیه به لحاظ زبان و قومیت از منطقه متمایز بود و تنها اسلام، محور روابط ترک‌ها با عرب‌ها محسوب می‌شد و وقتی که بر مبنای کمالیسم آتاتورک، اسلام وجه هویت بخشی خود را از دست داد توجیه چندانی برای نفوذ در منطقه از جانب ترکیه باقی نبود (Martin, 2000: 84). ترکیه برای سده‌ها مرکز دینی و سیاسی جهان اسلام بود. یکی از اهداف آتاتورک گسست از این سابقه و میراث عثمانی بود. در واقع آتاتورک ترکیه را از متن به حاشیه اسلام برد، و مسائل و دغدغه‌های خود را به کلی متفاوت با کشورهای اسلامی تلقی کرد. به عنوان مثال ترکیه در «کنفرانس قاهره» که در مه ۱۹۲۶ برای بررسی «مشکل خلافت» برگزار شده بود شرکت نکرد و سفیر این کشور در مصر بیان کرده بود که برای ترکیه اصلاً چنین مشکلی وجود ندارد. برخی پژوهش‌گران این مسئله را بر مبنای عاملی روانشناسانه توضیح داده‌اند. چرا که اعراب، اسلام را به یاد آتاتورک می‌آوردند و چنان‌که یکی از وزرای دوران آتاتورک بیان کرده است ترکیه «تنها فکرش این است که یوغ اسلام را از گردن خود بازکند و تنها هنگامی که ما این یوغ عربی {اسلام} را از گردن خود باز کنیم خودمان را به عنوان ترک پیدا خواهیم کرد» (Calis and Bagci, 1995: 2014). در واقع خاورمیانه برای ترکیه نماد دین، ارتجاع، فقر و عقب ماندگی بود و ترکیه‌ای که به لحاظ جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و فرهنگی کاملاً جدای از اروپا بود، تلاش می‌کرد که خود را همرنگ اروپا نشان دهد حال آنکه با وجود همه پیوندهای عمیق با خاورمیانه تلاش داشت خود را جدای از منطقه بنمایاند. در واقع دورگزینی از خاورمیانه، یک راهی بود برای ترکیه تا بتواند تفاوت فرهنگی خود با منطقه و نیز همسویی با غرب را بهتر به پیش ببرد. البته تمدن ایرانی برای ترکیه یک استثنا بود. چرا که نوسازی‌های سکولاریستی ایران در دهه ۱۹۳۰ از منظر نخبگان ترک بسیار پسندیده بود. اما جهان عرب که برای ترکیه مساوی با جهان اسلام بود هیچ ویژگی مطلوبی در منظر رهبران ترکیه نداشت (Iarrabee and lesser, 2003: 132). رویکرد ترکیه نسبت به خاورمیانه زیر مجموعه‌ای بود از ادراک امنیتی غرب نسبت به منطقه. علاوه بر بازدارندگی شوروی در منطقه که هدف اولیه غرب بود، جلوگیری از





فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی

ناسیونالیسم عربی و حفاظت از جریان نفت خاورمیانه دو هدف دیگر غرب در منطقه بود که ترکیه بر آن اساس سیاست خارجی خود را هدایت می‌کرد. ترکیه عضو «فرماندهی دفاعی خاورمیانه» و «پیمان بغداد» در ۱۹۵۵ بود و تلاش زیادی برای مجاب کردن کشورهای منطقه در این سازمان و همچنین تقبیح موضع و سیاست خارجی مصر و متحدانش انجام داد. به هر صورت با وجود اینکه ترکیه بنا به الزامات مجبور می‌شد که در امور منطقه همکاری و یا مداخله داشته باشد، ادارک ترکیه و یا رهبران ترکیه از خاورمیانه به گونه‌ای بود که این کشور را بخشی از این منطقه تلقی نمی‌کردند. هرچند جبرهای جغرافیایی و ۴۰۰ سال سابقه رابطه مستقیم این امر را در عمل بسیار سخت می‌کرد اما این مسیری بود که رهبران ترکیه انتخاب کرده بودند (Altunisik, 2009: 174).

ب: پساکمالیست‌ها

ترکیه یکی از فعال‌ترین و تاثیرگذارترین بازیگران خاورمیانه از سال ۲۰۰۳ به بعد بوده است که دلیل اصلی آن نگرش اسلام‌گرایانه و اهمیت منطقه در چارچوب این نگرش بوده است (Tur, 2019: 1). به طور خلاصه این تحول را می‌توان در گرایش بیشتر سیاست خارجی ترکیه از غرب به همسایگان شرقی خلاصه کرد که این تحول نیز در چارچوب هویت جدید اسلامی این کشور قابل توضیح است (Dayıoğlu and Köprülü, 2019: 1-2). داود اوغلو الگوی آلمان پس از جنگ جهانی دوم در اروپا را نمونه خوبی برای ترکیه در خاورمیانه می‌دانست. از نظر وی ترکیه به عنوان قدرت اول خاورمیانه می‌تواند موتور محرکه‌ای برای تقویت منطقه باشد. البته این مسئله با برطرف کردن بحران امنیتی به جا مانده از رویکرد پیشین ترکیه و کاهش تنش‌ها با همسایگان میسر است. از نظر او برای ترکیه داشتن روابط تنش‌آمیز با کشورهای همچون یونان، سوریه و عراق مانند تمرین کشتی‌گیر سنگین وزن با سبک وزن است. این مسئله باعث شده ترکیه نتواند ظرفیت گسترده خود را در منطقه محقق کند (داود اوغلو، ۱۳۹۲: ۱۵۶-۱۵۱).

می‌توان ادعا کرد در سال‌هایی که کنش‌مندترین دیپلماسی در منطقه خاورمیانه متعلق به ترکیه بوده است، هیچ مسئله بحران و پدیده کوچک یا بزرگی در خاورمیانه وجود ندارد که ترکیه در آن به صورت مستقیم و یا با واسطه در آن حضور نداشته باشد. این رهیافت را می‌توان در چارچوب دکترین «عمق استراتژیک» داود اوغلو توضیح داد. این دکترین در واقع



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۳۲

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

چیزی نیست جز افزودن بعد منطقه‌ای به سیاست خارجی ترکیه. وی معتقد است ارزش یک کشور به موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن برمی‌گردد. کشوری که به بعد ژئوپلیتیکی سیاست خارجی اهمیت می‌دهد به طور طبیعی باید به بعد منطقه‌ای سیاست خارجی‌اش نیز توجه کند. در واقع دو رکن سیاست خارجی ترکیه از این منظر جغرافیا و تاریخ است. و این دو مؤلفه ترکیه را وادار می‌کند نقش رهبری مناطق پیرامونی خود را بر عهده بگیرد. البته محیط پیرامونی ترکیه فقط معطوف به خاورمیانه نیست و پیرامون ترکیه شامل قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان نیز می‌شود. و عملاً رهبری محیط پیرامونی برای ترکیه به معنای رهبری از آسیای مرکزی تا شمال آفریقا می‌باشد. از این رو است که این سیاست خارجی جدید ترکیه را برخی نوعثمانی‌گرایی می‌نامند. همچنین در اندیشه داود اوغلو، میانجی‌گری و حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای یکی از ارکان سیاست خارجی جدید ترکیه باید تلقی شود. ارسال نیرو به افغانستان، ارسال سرباز به لبنان در قالب نیروهای سازمان ملل، فعال‌تر شدن در سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب، برقراری روابط نزدیک‌تر با ایران، عراق و سوریه، گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با دولت‌های عربی و مسلمان از نشانه‌های سیاست خارجی جدید ترکیه در منطقه می‌باشد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۳۲).

البته رویکرد جدید ترکیه با موفقیت‌هایی هم همراه بود. این موفقیت ناشی از ترکیب قدرت نرم و سخت ترکیه بوده است. ترکیه بعد از آمریکا دومین کشور در جهان است که بخش گسترده‌ای از تاسیسات نظامی‌اش در خارج از مرزهای کشور است (Hoffmann, 2019: 301). نکته دیگر موضوع قدرت نرم این کشور است. وقایع مربوط به بیداری و الگو برداری از مدل حزب عدالت و توسعه در کشورهای چون تونس و مصر و تشکیل احزابی با عنوان مشابه در واقع استقبال از هویت پساکمالیستی مورد حمایت حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان و نه پذیرش الگوی هویت کمالیستی سکولار و اقتدارگرا بود، در نتیجه آن ترکیه‌ای که اعراب در صدد الگو برداری از آن بودند ترکیه‌ای بود، که می‌توان به عنوان ترکیه پساکمالیستی آن را توصیف کرد (قهرمان پور، ۱۳۹۴: ۳۱۶). بنابراین آنچه ترکیه را برای اعراب جذاب کرده بود، نه کودتای کمالیست‌ها و اقتدارگرایی سکولار آن‌ها، بلکه فرآیند گذار ترکیه به دموکراسی آن هم توسط پساکمالیست‌ها بوده است.

جدول ۲: مقایسه رویکرد کمالیست‌ها و پسا کمالیست‌ها نسبت به خاورمیانه

۱. کمالیست‌ها	۲. پسا کمالیست‌ها
تهدیدنگری	فرصت‌جویی
انزواگرایی	درگیر شدن (engagement)
پیروی از سیاست‌های غرب در منطقه	خط مشی مستقل
امنیتی دیدن منطقه	توجه به ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی
نماد عقب‌ماندگی و رکود و فقر	نماد دوران شکوه ترکیه

۳-۳- اسرائیل و فلسطین

الف: کمالیست‌ها

ترکیه در دنیای اسلام اولین کشوری بود که در مارس ۱۹۴۹ اسرائیل را به رسمیت شناخت. نمایندگی دیپلماتیک اسرائیل در ترکیه در ژانویه ۱۹۵۰ ایجاد شد. به ویژه از اواسط دهه ۱۹۶۰ و با تشدید مشکلات اقتصادی و نیز تلاش برای یافتن حمایت سیاسی و دیپلماتیک در موضوع قبرس، ترکیه در صدد توسعه بیشتر روابط با اسرائیل برآمد. چاغلایانگیل^۱، وزیر خارجه ترکیه در سال ۱۹۶۷ به صراحت اعلام کرده بود «به خاطر توسعه مناسبات با اعراب، از مناسبات با اسرائیل صرف نظر نخواهیم کرد». در دهه ۱۹۷۰ با وجود جنگ یوم کیپور اعراب و اسرائیل، ترکیه اعلام بی‌طرفی کرد و روابط خود را با اسرائیل حفظ کرد. البته پس از انقلاب اسلامی ایران روابط ترکیه و اسرائیل گرم‌تر نیز شد. در دهه ۱۹۸۰ وجود مسائلی همچون عدم به رسمیت شناختن استقلال جمهوری قبرس شمالی در ۱۹۸۳ از جانب اعراب، عدم حمایت اعراب از موضع ترکیه در جریان تنش‌های بین مسلمانان ترک بلغارستان با دولت مرکزی، تداوم سیاست‌های ضد ترکی سوریه باعث شد ترکیه بیش از پیش از جهان عرب فاصله بگیرد و به اسرائیل نزدیک شود. در سال‌های پس از جنگ سرد، ترکیه بنا به دلایل مختلف از جمله تأمین نیازهای تسلیحاتی روابط خود را با اسرائیل گسترش داد. چرا که اسرائیل یکی از پیش‌رفته‌ترین صنایع نظامی را در جهان داشت و پنجمین تولید کننده بزرگ تسلیحاتی در جهان بود. هدف آمریکا نیز این بود تا با نزدیک شدن ترکیه و اسرائیل در فضای پساجنگ سرد معماری ترتیبات منطقه‌ای به گونه‌ای باشد که این دو کشور به عنوان «دو ستون جدید»، نظم امنیتی غرب‌گرایانه‌ای را در مقابل کشورهایی همچون عراق و ایران

1. Çağlayangil



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۲۳۴

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

در منطقه اجرا کنند. در سال ۱۹۹۷، اسحاق مردخای^۱ وزیر دفاع اسرائیل برای نشان دادن ماهیت استراتژیک روابط نظامی دو طرف بیان کرده بود که «اگر کشورهای مثل ایران و عراق و سوریه بخواهند علیه ترکیه نیروی نظامی به کار گیرند، می‌دانند در مقابلشان یک نیروی متحد یعنی اسرائیل قرار دارد». در سال ۲۰۰۱ که بحث فلسطین و رابطه ترکیه و اسرائیل مطرح شد، عمده سیاست‌مداران ترکیه طرفدار تداوم روابط با اسرائیل بودند. چنان‌که عصمت اینونو بیان کرده بود «ملت ترک هیچ‌گاه دچار مرض صهیونیسم ستیزی نبوده و نخواهد بود» (کوزه بالابان، ۱۳۹۲: ۳۷۲-۱۶۵). دیدگاه کمالیست‌ها این بود که اسرائیل تنها کشور غیرمسلمان منطقه است که دیدگاه و سیاست امنیتی هم‌سویی با ترکیه دارد. این رویکرد در دولت اوزال نیز تداوم یافت و وی بیان کرده بود که نقش اسرائیل به عنوان جزئی از دنیای آزاد در خاورمیانه بسیار سازنده است (یکتا، ۱۳۷۵: ۴۳-۵۲).

ب: پسا کمالیست‌ها

ابتدای قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه انحراف چندانی از رویکرد پیشین دیده نمی‌شد و اردوغان نیز وعده داده بود که روابط با اسرائیل را بهبود بخشد. در این راستا میزان تجارت ترکیه از ۱,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۳,۳۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسید. تنها قراردادهای دفاعی دو طرف در سال ۲۰۰۹ دو میلیارد دلار بوده است. البته باید به این نکته توجه کرد که نسبت افزایش مبادلات تجاری ترکیه با اعراب و ایران در این دوره بسیار بیشتر از اسرائیل بوده است. اما به مرور زمان اختلاف رویکرد رهبران جدید ترکیه به اسرائیل با کمالیست‌های پیشین مشاهده شد. در واقع رویکرد ترکیه با اسرائیل بسیار انتقادی‌تر شده بود. مثلاً در حمله اسرائیل به پناهندگان جنین در آوریل ۲۰۰۲ ترکیه انتقادات سختی از اسرائیل کرد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و خودمختاری کردها نیز تأثیر منفی در ترکیه نسبت به آمریکا و متحد منطقه‌ای‌اش یعنی اسرائیل گذاشت. همچنین ترور شیخ احمد یاسین رهبر مذهبی حماس و نیز ترور جانشین او رنتیسی انزجار عمومی را در ترکیه برانگیخت و اردوغان را وادار کرد تا برای اولین بار اسرائیل را یک کشور تروریستی بداند. در فوریه ۲۰۰۶ ترکیه میزبان خالد مشعل رهبر حماس بود که منجر به انتقادهای تند اسرائیل از ترکیه شد. همچنین حمله سه هفته‌ای اسرائیل در دسامبر ۲۰۰۸ به غزه منجر به تظاهرات گسترده مردم ترکیه و

1. Yitzhak Mordechai

علیه اسرائیل و نیز واکش تند مقامات ترکیه شد. در سال بعد نیز ترکیه، اسرائیل را از مانور نظام مشترک حذف کرد. داود اوغلو راه‌های مختلف دیپلماتیک را به حماس پیشنهاد داد و از سوی دیگر با انتشار بیانیه‌ای تمامی طرف‌های درگیر را دعوت به پذیرش نتایج انتخابات فلسطین در سال ۲۰۰۶ کرد و مخالفت خود را با اعمال تحریم‌های اقتصادی بر علیه دولت فلسطین اعلام کرد (Bila, 2006). حماس نیز به دنبال متحد در خاورمیانه بود تا به مقابله با تحریم‌های سیاسی و اقتصادی بپردازد. در چنین وضعیتی انتخاب آنان بعد از محور مقاومت، ترکیه بود. (Congar, 2006: 35) جهت گیری ترکیه در قبال حماس، قرار دادن آن در یک فرآیند سیاسی بود. از این رو، هدف اوغلو بازگشت آرامش به فلسطین و تخلیه اسرائیل از غزه بود. (Kucukkaya, 2009: 10) یکی از تقابلات نمادین ترکیه و اسرائیل در نشست داوس سال ۲۰۰۹ بین اردوغان و شیمون پرز اتفاق افتاد. اردوغان در پاسخ به پرز گفت «وقتی بحث کشتن می‌آید، شما خیلی خوب بلد هستید بکشید، خوب می‌دانم آن بچه‌ها را در ساحل {غزه} چگونه کشتید. یکی از نخست وزیران شما می‌گفت من هر زمان با تانک وارد غزه می‌شوم خوشحال‌تر هستم» (Bennhold, 2009). همچنین پس از جنگ ۲۰۰۸، اسرائیل که به مدت دو سال غزه را در محاصره قرار داده بود؛ ترکیه برای شکستن این محاصره ناوگان کمک‌های بشر دوستانه‌ای را به سمت غزه ارسال کرد. کماندوهای اسرائیل با جمله به یکی از کشتی‌ها (مأوی مرمه) ده نفر ترک را کشتند. اردوغان در پاسخ اعلام کرد «آنها بار دیگر نشان دادند که چقدر در کشتن مهارت دارند». ترکیه خواستار عذرخواهی رسمی اسرائیل شد و دادگاه این کشور علیه چهار تن از فرماندهان ارشد اسرائیلی حکم دستگیری صادر کرد. سیاست خارجی ترکیه در این منطقه نیز منشعب از برداشت تمدنی و رهبری در منطقه بود. با وقوع انقلاب در کشورهای عربی، ترکیه برای اینکه بتواند وجهه خود را در میان این کشورها به خصوص مصر حفظ کند مجبور شد تا تنش خود با اسرائیل را افزایش دهد (احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳).

جدول ۳: مقایسه رویکرد کامالیست‌ها و پساکمالیست‌ها نسبت به مسئله فلسطین

۱. کامالیسم	۲. پساکمالیسم
اشتراک کامل منافع	اشتراک و تضاد منافع
به عنوان متحد	به عنوان شریک
بی تفاوتی به مسئله فلسطین	اهتمام به مسئله فلسطین
دفاع از اسرائیل و تقييح مخالفان	دفاع از فلسطین و برقراری روابط با گروه‌هایی همچون حماس

نتیجه گیری

هدف این مقاله این بود تا نشان دهد نسلی از سیاستمداران ترک، به عنوان حاملان گفتمان پساکمالیسم، قدرت را در اختیار قرار دارند که هویت و رفتارهای خود را به گونه‌ای شکل داده‌اند که دارای اختلافات جدی و در برخی موارد متعارض با کمالیسم است. این مسئله از این حیث جالب توجه است که ارتش در سال‌های قبل اجازه کوچک‌ترین تعدیلی در کمالیسم در سیاست داخلی و خارجی را نمی‌داد و در ژوئیه ۲۰۱۵ نیز تلاش کرد تا انحراف اسلام‌گرایان پساکمالیستی را با انجام کودتا برطرف کند، اما ناموفق بود. البته باید توجه کرد که تحول در سیاست خارجی به طور کلی به آهستگی صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه حزب عدالت و توسعه نه پس از انقلاب یا کودتا، بلکه از طریق انتخابات قدرت را به دست گرفته است، این تغییرات تدریجی است. اما به مرور و با استمرار حزب عدالت و توسعه در سیاست ترکیه، تقویت و نفوذ بیشتر اسلام‌گرایان در نهادهای حکومتی، افزایش اختیارات قانونی دولت از طریق اصلاح قانون اساسی و نیز برخی رخدادهای بین‌المللی نشانه‌هایی از تغییرات جدی‌تر در ادبیات و رفتار سیاستمداران ترکیه مشاهده می‌شود که تفاوت آشکاری با سیاستمداران پیش از سال ۲۰۰۲ دارد. از این رو زاویه اظهارنظرها و رویکردهای سیاست خارجی پساکمالیست‌ها با کمالیست‌ها در سال ۲۰۱۸ بسیار بیشتر از سال اول قدرت‌گیری آنان، یعنی سال ۲۰۰۲ است. البته این ادعا، چنان‌که آمد به سه مطالعه □ موردی مستند شد. اختلافات ترکیه با اروپا و انتقاد این کشور از نهادها و اعضای اروپایی در چندسال گذشته به لحاظ کمی و کیفی بسیار بیشتر از هشت دهه قبل از آن است. این اختلافات بی‌سابقه با کشورهای اروپایی در حالی است که برای سیاستمداران کمالیست پیشین، اتحادیه اروپا هدف نبود بلکه آرزو بود و به صراحت اروپا به عنوان نماد تمدن و کلید توسعه اقتصادی و فرهنگی تلقی می‌شد. مورد خاورمیانه نیز که برای آتاتورک و کمالیست‌ها نماد اسلام و ارتجاع و فقر بود و لذا با انزوای خودخواسته، در هیچ یک از بحران‌های منطقه شرکت نمی‌کردند، برای پساکمالیست‌ها تبدیل به یکی از اولویت‌های اصلی شده است و برعکس، این‌بار کمالیست‌ها در هیچ یک از بحران‌های منطقه نیست که شرکت نکنند و خود را درگیر نسازند. همچنین کمالیست‌ها برای چند دهه با حمایت ارتش، محور سیاست منطقه‌ای خود را بر مبنای توسعه روابط با اسرائیل گذاشته بودند. در حالی که در این سال‌ها اسرائیل با چندین



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۲۳۶

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

جنگ اراضی بسیاری از اعراب اشغال کرده بود. اما در سال‌های اخیر بین ترکیه و اسرائیل تنش‌هایی به وجود آمده است که در نوع خود خود بی سابقه محسوب می‌شود.



منابع

اردبیلی، محمد منظور و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۷) «نوعثمانی‌گری و چالش‌های آن برای ج.ا.ایران (دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۲)»، پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، دوره ۸، شماره ۱
احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه‌ای آن». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان/اسلام، شماره یازدهم، سال چهارم.

انتخابی، نادر (۱۳۹۲) دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران، هرمس
باغچی، حسین؛ چالیش، شعبان؛ قهرمان پور، عسگر؛ (۱۳۸۳) «عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا: مناظره‌های پس از جنگ سرد»، شماره ۳۷

باقری دولت‌آبادی و نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳) «بررسی علل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه بر اساس رهیافت سازه‌انگاری»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان/اسلام، دوره ۲، شماره ۷

حسینی، سیده مطهره؛ ابراهیمی، طالب؛ شاه قلعه، صفی الله (۱۳۹۱) «عملکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)»، مطالعات راهبردی جهان/اسلام، شماره ۵

داوداوغلو، احمد (۱۳۹۱) عمق راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی، تهران، امیر کبیر
ستوده، علی اصغر و نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۷) «پوش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان-ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲، بهار و تابستان

قهرمان پور، رحمن (۱۳۹۴)، هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه. تهران: انتشارات روزنه.
کوبالکوا، وندولکا (۱۳۹۲)، سیاست خارجی در جهان برساخته، ترجمه مهدی میرحمادی، تهران، مطالعات راهبردی

کوزه بالابان، حسن (۱۳۹۲) سیاست خارجی ترکیه، اسلام، ملی‌گرایی و جهانی‌شدن، مترجم غلامرضا کریمی و داود نظرپور، تهران، انتشارت چاپخش

کوشکی و رنجبر محمودی (۱۳۹۴) «منطقه‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد (با تأکید بر مولفه‌های فرهنگی و اقتصادی)»، پژوهش‌های سیاسی، دوره ۵، شماره ۱

لواسانی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، «عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا». همشهری دیپلماتیک، شماره هفتاد.
نوع پرست، زهرا (۱۳۸۳)، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دو دستگی آرا»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰

یکتا، حسن (۱۳۷۵)، «پیمان نظامی - استراتژیک ترکیه و اسرائیل: یک گزارش تحلیلی». مجلسه سیاست دفاعی، شماره ۱۴، سال چهارم، شماره ۲، بهار.

Avan, Esengül (2019) "Europeanization of Turkey's Foreign Policy: The Case of Turkey's Mediation in the Israel-Palestine Conflict", Journal Journal of Balkan and Near Eastern Studies Volume 21, Issue 6



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام
جمعه نرسان العالم الاسلامی

۲۳۸

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت‌های پژوهش‌های اسلامی

۲۳۹

بررسی تطبیقی سیاست خارجی کدالیت‌ها و پسا کدالیت‌ها در ...

- Aka, H. Burç (2014) "Paradigm Change in Turkish Foreign Policy after Post-Cold War", Alternatives: Turkish Journal of International Relations, Vol. 13, No. 3
- Aljazeera (2017) "Erdogan slams UAE over FM's anti-Turkish retweet", Available at: <http://www.aljazeera.com/news/2017/12/erdogan-slams-uae-fm-anti-turkish-retweet-171220130851429.html>
- Altunisik, Meliha Benli (2009) "Worldviews and Turkish foreign policy in the Middle East" New Perspectives on Turkey, no. 40
- Bagdonas, Özlem Demrtaş (2008) "The Clash of Kemalisms? Reflections on the Past and Present Politics of Kemalism in Turkish Political Discourse", Turkish Studies Vol. 9, No. 1, 99–114.
- Bennhold KATRIN (2009) "Leaders of Turkey and Israel Clash at Davos Panel", Available at: <http://www.nytimes.com/2009/01/30/world/europe/30clash.html>
- Bila, Fikret (2006), "Hamas'ın Ankara Ziyaretinin hassasyönleri", Milliyet,
- Bilgin, Mert (2011), "Energy and Turkey's Foreign Policy", Turkish Policy Quarterly
- business-standard (2018) "Macron says 'no chance for progress' in Turkey's EU membership", online at: https://www.business-standard.com/article/pti-stories/macron-says-no-chance-for-progress-in-turkey-s-eu-membership-118010600027_1.html
- ÇALIŞ Şaban and BAĞCI Hüseyin (1995) "Atatürk's foreign policy understanding and application", SÜ İİBF Sosyal ve Ekonomik Araştırmalar Dergisi
- Congar, Yasemin (2006), "Meşal, Esad, Bush, Erdogan", Milliyet, 3 July.
- Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", Insight Turkey, Vol. 10, No. 1.
- Dayıoğlu, Ali and Köprülü, Nur (2019) "Turkey's new identity revisited and its Islamist reflections in North Cyprus", Journal Southeast European and Black Sea Studies Volume 19, Issue 4
- Dogan, Erhan (2014) "Continuity and Change in Turkish Foreign Policy During the JDP", Strategic Review, No 7
- Economist (2010) "A fading European dream", online at: <https://www.economist.com/special-report/2010/10/21/a-fading-european-dream>
- Hoffmann, Clemens (2019) "Neo-Ottomanism, Eurasianism or securing the region? A

longer view on Turkey's interventionism", Journal Conflict, Security & Development Volume 19, Issue 3

Haynes, Jeffrey (2009), "Religion and Politics in Europe, The Middle East and North Africa", London press.

Kaliber, Alper (2019), "From De-Europeanisation to Anti-Western Populism: Turkish Foreign Policy in Flux", Journal The International Spectator Italian Journal of International Affairs, Volume 54, Issue 4

Kuşku-Sönmez, Eda (2019) "Dynamics of change in Turkish foreign policy: evidence from high-level meetings of the AKP government", Journal Turkish Studies Volume 20, Issue 3

Küçükaya, İsmail (2009), "Davutoğlu Erdoğan' In Neden Öfkelenildiğini Anlattı", Akşam, 21 January.

Kuru, Ahmet (2015), "Turkey's Failed Policy toward the Arab Spring: Three Levels of Analysis". Mediterranean Quarterly 26:3 DOI 10.1215/10474552-3145779.

Larrabee F. Stephen and Lesser Ian O (2003), Turkish Foreign Policy in an Age of Uncertainty, Rand, California

Martin, Lenore (2000) "Turkey's national security in the Middle East", Turkish Studies, Vol.1, No.1, pp.83-106

Olson, w and Nurhan ince (1977) "Turkish foreign policy from 1923 -1960: Kemalism and its legacy, a review and a critique", Oriente Moderno, Anno 57, Nr. 5/6

Öniş, Ziya (2011) Multiple Faces of the "New" Turkish Foreign Policy: Underlying Dynamics and a Critique", Insight Turkey Vol. 13 / No. 1 / pp. 47-65

pewglobal (2014) "Turks Divided on Erdogan and the Country's Direction", online at: <http://www.pewglobal.org/2014/07/30/turks-divided-on-erdogan-and-the-countrys-direction/>

Reuters (2017) "In shift, Merkel backs end to EU-Turkey membership talks", online at: <https://www.reuters.com/article/us-germany-turkey-merkel/in-shift-merkel-backs-end-to-eu-turkey-membership-talks-idUSKCN1BE15>

Sözen, Ahmet (2010) "A Paradigm Shift in Turkish Foreign Policy: Transition and



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت‌تراسات‌العلم‌الاسلامی

۲۴۰

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

Challenges”, Turkish Studies Vol. 11, No. 1, 103–123

Turan, Kürşad (2012) “Changes in Turkish Foreign Policy: A Shift or a Passing Interest”, Akademik Bakış, Vol 6, N0 11

Tur, Olzen (2019) “Turkey’s Role in Middle East and Gulf Security”, Journal Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies Volume 13, Issue 4

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:
DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۲۰۹
سلیمانی، غلامعلی؛ رضاپور، دانیال؛ فاضلی، سامان (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیست‌ها و پساکمالیست‌ها در جمهوری ترکیه»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۲، تابستان ۹۸، صص ۲۴۱-۲۱۵.

